

آثار باز یافته زبان خوارزمی

تا اوائل این قرن از زبانهای ایرانی که در آسیای مرکزی متداول بوده اطلاع دقیقی در دست نبود. زبانی که امروز در ترکستان رواج دارد ترکی و فارسی است، ولی هیچیک از این دو زبان زبان اصلی این سرزمین نیستند، بلکه بعدها در این ناحیه رخنه کرده و استوار شده اند.

زبان فارسی اصولاً از زبان نواحی جنوبی ایران سرچشمه گرفته است (زبان کتیبه‌های هخامنشی یا زبانی نزدیک بان). صورت جدیدتری از فارسی باستان، که بهتر است آنرا «فارسی میانه» خوانند تا پهلوی (۱)، زبان رسمی ایران در دوره ساسانیان بوده، و پس از غلبه تازیان و تأثیر زبان عربی و تحولات دیگر بصورت زبان فارسی در آمده. عده زیادی نیز لغات پارسی در زبان فارسی راه یافته که محتملاً یادگار سلطه اشکانیان است. نفوذ این زبان در آسیای مرکزی بانیر و گرفتن خاندان ساسانی آغاز شد. پس از اسلام زبان فارسی زبان ادبی ایران گردید و بهمت امرای ادب دوست مانند سامانیان و چغانیان بیش از پیش در خراسان و ماوراء النهر ریشه گرفت و بر زبانهای اصلی پیشی یافت.

زبان ترکی زبان قبایل شمالی و شرقی این سرزمین بود که پس از حمله های متواتر استیلای سیاسی یافتند و زبانشان بتدریج زبانهای محلی را از میدان بدر کرد و زبان رایج این نواحی شد.

قبایل ایرانی محتملاً از اوائل هزاره دوم پیش از میلاد با آسیای مرکزی روی آور شدند و در نقاط مختلف آن جا گرفتند. خوارزمیها در مشرق دریای خزر و جنوب دریای خوارزم (اورال)، سغدیه در جنوب شرقی خوارزم میان آمودریا و سیردریا (جیحون و سیحون)، و سکاها در شمال ایشان. این اقوام با وجود نزدیکی فوق العاده هر یک حکومت و زبان جداگانه داشتند چنانکه در بلخ و طخارستان (۲) و سغد و خوارزم هر یک بزبانی

اقوام ایرانی آسیای مرکزی

۱- یکی از دلایل این ترجیح اینست که «فارسی میانه» شامل زبان پهلوی مانوی و پهلوی کتیبه‌ها و پهلوی کتابی که مختصر اختلافی باهم دارند میشود و حال آنکه پهلوی مطلق در طول زمان برای آثار کتابی این زبان اصطلاح شده.

۲- در اینکه مردم طخارستان بچه زبانی سخن میگفته اند گفتگوست. زبانی که معمولاً طخاری نامیده میشود آثارش در ترکستان چین بدست آمده و دارای دو لهجه است (که معمولاً لهجه A و لهجه B گفته میشود)، ولی این زبان با آنکه از زبانهای هندواروپایی است از زبانهای ایرانی نیست. برای توضیح مختصری از این باب رجوع شود به

L' introduction à l'étude comparative des langues indo-européennes
تألیف A. Meillet (چاپ هشتم ۱۹۳۷) صفحه ۵۷. در اینکه آیا زبان ختنی زبان مردم طخارستان بوده یا نه رجوع شود به Saka Studies تألیف S. Konow (اسلو، ۱۹۳۲)، مقدمه.

دیگر سخن میگفتند و در نواحی شرقی ترو قسمتی از کاشغر خنتی رایج بود .
 هخامنشیان غالب اقوام این نواحی رامطیع خود کردند و نام ولایات پارت و هرات و
 خوارزم و بلخ و سفد را داریوش جزء مستملکات خود در کتیبه بیستون نام میبرد (ستون اول
 سطر ۱۶) . پس از حمله اسکندر تا غلبه تازیان غالب این نواحی کم و بیش با استقلال زیستند
 و بعضی از آنها تمدن درخشان بوجود آوردند ، چنانکه در سفد که سمرقند و بخارا مراکز
 آن بودند ، فرهنگ و ادب و بازرگانی توسعه بسیار یافت و زبان سفدی که یکروز دامنه اش از
 خراسان تا چین کشیده میشد (۳) خط جداگانه و ادبیات پر دامنه داشت . خوارزمیان نیز زبان و
 فرهنگ و خط و تقویم جداگانه داشتند . بیرونی در آثار الباقیه نام روزها و ماهها و جشنهای
 خوارزمیان را ضمن توضیح گاه شماری در سفد ر خوارزم بدست میدهد (۴) .

انقلابات و کشمکشهای ماوراءالنهر و خراسان بتدریج صورت این سرزمین را تغییر
 داد . بایورش متوالی اقوام شمالی بتدریج شهرهای آباد و پر جمعیت این خطه تنگ مایه و ناتوان
 شدند و مردمش پراکنده گردیدند ، و فرهنگ آنها رو بزوال رفت ، و ترکان بر بیشتر این نواحی
 استیلا یافتند ، و زبانشان رایج شد ، و زبانهای اصلی کم کم از میان رفتند تا آنکه سرانجام
 جز نامی از آنها باقی نماند .

کشف تدریجی

زبانهای

آسیای مرکزی

در اوائل این قرن پس از آنکه اوراقیکه در تورقان - از شهر
 های ترکستان چین - یافت شده بود برای تحقیق با اروپا
 رسید بعضی از زبانهای گمشده آسیای مرکزی بتدریج
 از میان خطوط متنوع این اوراق آشکار شد ، و با آشکار شدن این زبانها بسیاری از نکات
 تاریک درباره تاریخ و تمدن و مذهب این سرزمین ، که از تاریخ ایران جدا نیست ، روشن گردید .
 از جمله زبان سفدی با آثار گوناگون از زیر خاک بیرون آمد و آثار مانوی بقارسی میانه و
 بزبان پارتی بخط مخصوص مانویان مکشوف شد . کمی بعد خنتی از فراموشی خارج گردید .
 ولی با وجود وسعت دامنه این اکتشافات در کاوشهای مختلف از زبان مردم خوارزم چیزی بدست
 نیامد ، و حال آنکه از توصیف نویسندگانمانند بقوریجان بیرونی و ابن فضلان و ابوالفضل
 بیهقی آشکار بود که خوارزمیان زبان و تمدن جداگانه داشتند (۵) . بیرونی میگوید که خوارزمیان
 شاخه ای از نژاد ایرانی بودند و مذهب زرتشتی داشتند : « و اما اهل خوارزم و انکانوا غصناً
 من دوحه الفرس و نبعه من سرحتهم ... » و باز : « ثم اذکر مشهور المجوس ماوراءالنهر وهم اهل
 و خوارزم و السغد ... » (۶) . و ترتیب گاه شماری را در خوارزم توضیح میدهد . از تاریخ

۳- رجوع شود به The Date of the Sogdian Ancient Letters توسط هنینک

W.B.Henning در BSOS سال ۱۹۴۸ صفحات ۶۱۵-۶۰۱

۴- چاپ زاخانو (لابیزیک ۱۸۸۷) صفحات ۴۶ و ۷۰ و ۲۲۳ و بعد .

۵- پیداست که ابن فضلان خوارزمیان و زبان آنها را خوش نداشته . زبان خوارزمی را وحشی ترین زبانها
 و شبیه صدای سار میشمارد و زبان مردم اردکو را صدای وزغ تشبیه میکند : « وهم اوحش الناس
 کلاماً و طبعاً ، کلامهم شبه شتی بصاح الذراذیر ، و بها قریة علی یوم یقال لها اردکو ، اهلها یقال
 لهم الکردلیه ، کلامهم شبه بنقیق الضفادع » رحلة ابن فضلان ، طبع مسکو ولنین گراد . ۱۹۳۹ ،
 صفحات a-b ۱۹۸

۶- آثار الباقیه ، چاپ زاخانو ، صفحات ۴۷ و ۴۵

بیهقی برمیآید که حتی تا زمان سلطان محمود غزنوی پیروان خوارزمشاه باوی بخوارزمی مکاتبه میکردند چنانکه در باب سفیری که ابو العباس مأمون ابن مأمون خوارزمشاه بدر بار محمود فرستاد چنین میگوید: «ومردی بود اورا یعقوب جندی گفتندی، شربری طماعی، نادرستی... اورا نامزد کردند، و هر چند بوسهل و دیگران گفتند سود نداشت... چون بغزنین رسید چنان نمود که خطبه و جز آن بدور است خواهد شد، و لافهازد، و منتها نهاد... چون نومید شد بایستاد و رقعنی نبشت بزبان خوارزمی بخوارزمشاه، و بسیار تضریب در بار امیر محمود، و آتش فتنه بالا داده، و از نوادر عجایب پس از این [به] سه سال که امیر محمود خوارزم بگرفت و کاغذها و دویت خانه بازنگریسند این رقعت بدست امیر محمود افتاد، و فرمود تا ترجمه کردند، و در خشم شد و فرمود تا چندی را بردار کشیدند و بسنگ بکشتند.» (چاپ فیاض و غنی صفحه ۷۲ - ۶۷۱) .

آثار بازیافته زبان خوارزمی
این ناآگاهی از زبان خوارزم همچنان باقی بود تا آنکه در سال ۱۹۲۷ در یکی از کتابخانه‌های ترکیه نسخه خطی از کتابی بزبان عربی در فقه بدست آمد بنام «یتیمه الدهر فی فتاوی اهل العصر» تألیف محمود بن محمود علاءالدین عبدالرحیم الترجمانی از اهل خوارزم، متوفی در ۶۴۵، که مؤلف بعضی عبارات خوارزمی برای نشان دادن امثله محلی در آن آورده است. اما خواندن این عبارات با آنکه خط آنها خط عربی و فارسی بود میسر نبود، زیرا غالباً نه نقطه داشت و نه زیر و زبر، و نه زبان آن دانسته بود (۷).

در سال ۱۹۳۶ نسخه از کتاب فقهی دیگری بنام «قنیة المنیة» تألیف فقیه خوارزمی المختار الزاهدی، متوفی در ۶۵۸، ابتدا در ترکیه و بعداً در اتحاد جماهیر شوروی بدست آمد که در آن عده بیشتری الفاظ و عبارات خوارزمی آمده است. این کتاب که در خوارزم و ترکستان و ترکیه و غالب کشورهای اسلامی شهرت کافی داشته و «صاحب قنیة» اشاره بمؤلف آن بوده است بر اساس کتاب فقهی دیگری بنام «مسائل منیة الفقهاء» قرار دارد که استاد مؤلف، قاضی بدیع الجزمینى، در مدت قضا از فتاوی فقهی فراهم کرده بود. مختار زاهدی مجموعه او را تکمیل کرد و برای استفاده مردم خوارزم بسیاری از عبارات شایع فقهی مانند صیغه‌های عقد و طلاق و بیع و شری و قسم و غیر آن را بزبان خوارزمی در آن آورد (۸). مختار زاهدی فقیه حنفی معتزلی بود. بیشتر عمر خود را در اورگنج (جرجانیه) زیست ولی بیخارا و آسیای صغیر، و محتملاً به

۷- رجوع شود به Hwarezmische Satze in einem arabischen Fiqh— Werke توسط Z.V. Togan در Islamika، جلد سوم، ۱۹۲۷، صفحه ۱۹۵، و بعد که متن این جملات را در بردارد.

۸- رجوع شود به Uber die Sprache und Kultur der alten Chwarezmier در ZDMG سال ۱۹۳۶ صفحات ۳۵-۲۷، از جزو اخیر، Z. V. Togan

نواحی ولگانیز سفر کرد (۹) . حاجی خلیفه از شانزده تالیف او نام میبرد . جملات خوارزمی قنیه‌المنیه خوشبختانه علاوه بر آنکه نقطه دارد غالباً اعراب هم دارد . همچنین برای بسیاری از عبارات خوارزمی ترجمه فارسی یا عربی داده شده (۱۰) .

مدد دیگری که برای کشف عبارات خوارزمی این کتاب بدست آمد رساله مختصری است بنام «رسالة الالفاظ الخوارزمية التي في قنية المبسوط» تالیف کمال‌الدین العمادی الجرجانی ، و مشتمل است بر توضیح کلمات خوارزمی که در قنیه‌المنیه آمده است . مؤلف رساله معاصر ابن بطوطه بوده و در اورگنج میزیسته (قرن هشتم) . مجموعاً سه هزار کلمه در این رساله آمده و ترجمه گاه بفارسی و گاه به عربی است و ترتیب فصول آن بر حسب ترتیب فصول قنیه است ، پیدا است که در زمان مؤلف زبان خوارزمی رو بفراموشی میرفته و حتی مردم خود خوارزم هم نیازمند توضیح لغات خوارزمی بوده اند . از اینجا میتوان دریافت که زبان خوارزمی تا حدود قرن هفتم یا هشتم هجری باقی بوده و پس از آن رو بزوال رفته . از بعضی عبارات خوارزمی قنیه میتوان دانست که زبان ترکی حتی در زمان مؤلف در خوارزم نفوذ کافی داشته .

در همین اوان دو ورقه خطی از کتابی باز در یکی از کتابخانه های قونیه بدست آمد که بزودی معلوم شد از مقدمه الادب زمخشری است . در ذیل کلمات عربی ترجمه ناشناسی وجود داشت که پس از تحقیق دانسته شد ترجمه خوارزمی است . تا آن زمان گمان میرفت

که زمخشری مقدمه الادب را ، که یکنوع کتاب لغتی است برای زبان عربی ، تنها برای فارسی زبانان و ترک زبانان تالیف کرده است . با کشف این دو ورقه دانسته شد که زمخشری ، که خود اهل خوارزم بود ، کتاب خود را به زبان فارسی و ترکی و خوارزمی ترتیب داده بوده است ، و امیدی پیدا شد که روزی نسخه کامل مقدمه الادب با ترجمه خوارزمی بدست بیاید ، چه در این صورت این زبان که از آن جز بعضی جملات پراکنده در دست نبود صاحب فرهنگ جامع و مبسوطی میشد . خوشبختانه این امید بزودی بحصول پیوست و در سال ۱۹۴۸ نسخه ای از مقدمه الادب در یکی از کتابخانه های قونیه پیدا شد و چاپ عکسی آن سال گذشته توسط کاشف نسخه ، زکی

۹- S. L. Volin در مقاله خود در Zabiski instuta Vostokovedanya جلد هفتم (۱۹۳۹) ، شرح حال جامعی از مؤلف بدست میدهد و آثار او را ذکر میکند و با آثاری که حاجی خلیفه و بروکلیمان از او نقل کرده اند مقایسه میکند . هم چنین نسخه علیوف را که مآخذ مقالات فرابین در این باب است وصف میکند (خواندن این مقاله و مقالات روسی دیگر را که بآنها رجوع شده مدیون مساعدت گرانبهای آقای لانگ دانشیار دانشگاه لندن هستم) .

۱۰- نخستین تحقیق را درباره این عبارت در مقاله مهم هنینگ W. B. Henning یعنی über die Sprache der Chwarezmier در ZDMG ، سال ۱۹۳۶ ، صفحات ۳۴-۳۰ جزو اخیر میتوان یافت . عده زیادی از این جملات را فرابین A. A. Freiman در مقاله مبسوط خود Khorezmiskiye Glossi, etc. آورده که آنرا با چهار مقاله دیگر در کتاب اخیر او Khorezmiskiy Yazyk (از انتشارات مؤسسه مطالعات شرقی فرهنگستان علوم شوروی مسکو و لنین گراه ، ۱۹۵۱) میتوان دید . زکی ولیدی طبع انتقادی همه این عبارات را و عده داده است .

ولیدی، انتشار یافت. (۱۱)

این نسخه نسخه روشن ویغلی است. کلمات عربی بخط نسخ روشن نوشته شده و زیر آنها ترجمه خوارزمی آمده. کلمات خوارزمی بدون زیرو زبر است. در قسمت اول آن که مخصوص اسامی است کلمات بطور ناقص نقطه دارد و گاه بکلی بینقطه است. در قسمت دوم یعنی افعال که جزء عمده کتاب است نقطه ها نسبتاً کامل است. متأسفانه قسمتی از اول کتاب مفقود است (معادل ۴۵ صفحه از نسخه چاپی مقدمه الادب با ترجمه فارسی) (۱۲). هر چند این نسخه تاریخ تحریر ندارد ولی زکی ولیدی از مقایسه آن با سایر نسخ ز محشری مانند کشف و مفصل که تاریخ تحریر دارند و در قرن ششم، یعنی قرنی که مؤلف در آن زندگی میکرده، نوشته شده اند چنین نتیجه میگیرد که باید در همان قرن مؤلف استنساخ شده باشد (۱۳). یکی از خواص تحریری این نسخه بکار بردن نقطه است در زیر حروف بینقطه مانند دال و راء و سین برای تمیز آن ها از حروف نقطه دار.

انتشار مقدمه الادب با ترجمه خوارزمی را باید قدم بزرگی در راه روشن ساختن یکی از زبانهای معتبر ایرانی شمرد. پیدا است که تحقیق کلمات خوارزمی و یافتن تلفظ صحیح و معنی درست آنها و روشن کردن پیوستگی هر یک با معادل آنها در زبانهای خویشاوند مدتی زمان خواهد برد، ولی بی تردید اکنون مواد کافی برای چنین تحقیقی فراهم شده است (۱۴)، و امید میرود که پژوهش در زبان خوارزمی بعضی از دشواریهای زبانهای نزدیک بآن مانند سغدی و ختلی را نیز آسان کند.

گذشته از آثار فوق، که همه متعلق به بعد از اسلام است، هیئت که بسرپرستی تولستو P. S. Talstov دانشمند شوروی در میان سالهای ۴۹ - ۱۹۳۷ مأمور کاوش در اطلال خوارزم قدیم گردید مقدار زیادی آثار قدیمی از قبیل سکه شاهان باستانی خوارزم و مجسمه های کوچک و نقوش دیواری و جز آن بدست آورد که در روشن ساختن تمدن و فرهنگ خوارزم قدیم ارزش بسیار دارد. متأسفانه خطی که در این آثار بکار رفته و مقتبس از خط آرامی است خواندنش هنوز امکان پذیر نگردید. پیدا است که باید دست آمدن رمز این خط اطلاع ما از احوال خوارزم باستان پیشرفت خاص خواهد کرد.

۱۱ - Horezmce Tercümelî Muqaddimat al—Adeb اسلامبول ۱۹۵۱

۱۲ - Wetzstein (۱۸۴۳) طبع

۱۳ - احتمال اینکه ترجمه خوارزمی خود خط ز محشری باشد منتفی نیست. دانشمند محترم آقای مجتبی مینوی بنکارنده گفتند که در ضمن پژوهشهای خود در کتابخانه قونیه بچند نسخه از همین کتاب برخوردند که باید از جزو مفقود باشد و این صفحات را با آقای زکی ولیدی ارائه داده اند.

۱۴ - نکارنده امیدوار است بتواند بعداً بعضی از نتایج کوشش خود را در این تحقیق عرضه بدارد.

برف

بہوا در نگر کہ لشکر برف
راست همچون کبوتران سپید
چون کند اندرو همی پرواز
راه گمکردگان ز هیبت ناز
ابوالحسن علی آغا جی بخاری